

برخی از عوامل مؤثر بر اشتغال دانش آموختگان رشته مدیریت صنعتی در مشاغل مرتبط

دکتر لغیا الفت
عضو هیئت علمی گروه مدیریت صنعتی
دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

در این مقاله، که براساس طرح پژوهشی "مطالعه برخی از عوامل مؤثر بر نوع اشتغال دانش آموختگان رشته مدیریت صنعتی"^(۱) نگاشته شده، عوامل تأثیرگذار بر اشتغال فارغ التحصیلان در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی و همچنین موانع اشتغال متناسب با رشته آنان مورد بررسی قرار گرفته است. اکثر افرادی که ارتباط شغل خود و رشته مدیریت صنعتی را بیش از متوسط می دانند، "تواناییهای کسب شده در دانشگاه" را مؤثرترین عامل ذکر کرده اند. از نظر بسیاری از پاسخ دهندگان "عدم شناخت سازمانها از رشته مدیریت صنعتی" و "ترجیح دادن استخدام مهندسان صنایع" از عمده موارد مؤثر در عدم اشتغال در شغل مرتبط، محسوب می گردند. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش آموختگان رشته مدیریت صنعتی دانشگاههای دولتی بین سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۹ می باشد.

۱- الفت، لغیا (۱۳۸۱). "مطالعه برخی از عوامل مؤثر بر نوع اشتغال دانش آموختگان رشته مدیریت صنعتی"، طرح پژوهشی، دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

جوان بودن جمعیت کشور و خیل عظیم جوانان جویای کار در دهه گذشته، معضل بیکاری را در پی داشته است؛ بطوریکه، موضوع اشتغال بعنوان مهمترین محور بحث برنامه سوم توسعه اقتصادی قلمداد شده است. برای آنکه اقتصاد کشور از پویایی مناسبی برخوردار باشد، باید به بازار کار که موضوع اصلی آن نیروی انسانی است، توجه لازم بشود.

نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهها در پایان سال ۷۸ معادل ۱۵/۹٪ بوده است. علاوه بر بیکاری آشکار، مسأله دیگر، اشتغال افراد در مشاغل پائین تر از توان خود می باشد.

علیرغم وضعیت عمومی اشتغال، هر ساله تعدادی از فارغ التحصیلان جذب مشاغل متناسب با رشته تحصیلی خود می شوند؛ لذا مطالعه در خصوص دانش آموختگان و مشاغل آنان، علاوه بر تشخیص عوامل مؤثر بر اشتغال در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی می تواند موانع موجود را نیز شناسایی نماید. چنین بررسی ای می تواند گامی کوچک در جهت زمینه سازی برای انجام اصلاحات لازم در نظام آموزشی و نیز امکان ارتباط بهتر بین نظام آموزشی و محیط آن باشد.

بیان مسأله و هدف تحقیق

عوامل متعددی در توسعه و پیشرفته کشور مؤثرند. بطور یقین، نیروی انسانی مهمترین سرمایه یک کشور محسوب می شود و استفاده صحیح از این سرمایه در یک سیستم منسجم ضروری می باشد.

مسأله بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز، وجود دارد؛ اما بیکاری در کشورهای در حال توسعه، بیش از آنکه آشکار باشد، پنهان است. در بیشتر کشورهای آسیایی، مشکل استخدام فارغ التحصیلان در مشاغل پائین تر از توان آنان بسیار جدی تر از بیکاری آشکار است. در بسیاری از این کشورها، توسعه آموزش،

مطابق با تقاضای نیروی انسانی مورد نیاز برای توسعه اقتصادی نیست. (میرکمالی، ۱۳۷۲)

اگرچه دیدگاه‌های مختلفی در مورد نقش آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی و آماده کردن آنان برای اشتغال وجود دارد. لکن حتی کشورهای ثروتمند نیز، عدم توجه به ارتباط بین آموزش عالی و اشتغال را از نظر اقتصادی و اجتماعی بسیار خطرناک می‌دانند. (کاظمی‌پور، ۱۳۷۶)

بسیاری از کشورهای توسعه یافته صنعتی سالهاست به این نتیجه رسیده‌اند که همسوئی هرچه بیشتر بین تحصیل و بازار کار برای افزایش توان فارغ‌التحصیلان و جذب آنان ضروری است (میرکمالی، ۱۳۷۲). یافته‌های تحقیقات انجام شده در آمریکا نشان‌دهنده آن است که اولاً به تعداد سالهایی که افراد در آموزش دانشگاهی حضور می‌یابند تغییرات معنی داری در توانمندی شغلی شان رخ می‌دهد. ثانیاً، حفظ ارتباط شغلی - تحصیلی این توانمندی یا بهره‌وری شغلی را شکوفاتر می‌کند. نتایج پژوهش دیگری حاکی از آن است که تحصیلات عالی، تجارب عملی و پرداختن به شغلی متناسب با تخصص کسب شده، هر یک به نوبه خود در توانمندی شغلی مؤثراند (فاضلی، ۱۳۷۹).

در جامعه جوان ایران، که تعداد دانشجویان و در نتیجه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی آن در سالهای اخیر رشد چشمگیری داشته است، مسئله اشتغال و بخصوص اشتغال در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی، موضوعی مطرح می‌باشد. شناسایی عوامل سوق دهنده افراد به مشاغل متناسب با رشته تحصیلی و همچنین موانع اشتغال مرتبط با آن می‌تواند زمینه چاره‌اندیشی برای آنها را فراهم نماید و در بهسازی برنامه‌ریزیها نقش مهمی داشته باشد.

سیاستهای استراتژیک بخش آموزش عالی که در برنامه سوم توسعه اقتصادی بیان شده‌اند، مؤید اهمیت چنین پژوهشهایی می‌باشند (سند برنامه سوم، ۱۳۷۸).

مقاله حاضر به بیان بخشی از یافته‌های پژوهشی که در این راستا انجام شده است، می‌پردازد. یکی از اهداف تحقیق "شناسایی عوامل تأثیرگذار بر اشتغال

فارغ‌التحصیلان در مشاغل مرتبط با رشته مدیریت صنعتی " است.

سابقه تحقیق

پژوهشهای متنوعی درباره وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان انجام شده که هر یک به وجهی از مسأله و عمدتاً در رابطه با رشته خاصی پرداخته است که برخی از آنها از حد یک مطالعه فراتر نمی‌رود. به نمونه‌ای از تحقیقات انجام شده اشاره می‌شود.

نتایج تحقیقی که در سال ۱۳۷۲ توسط میرکمالی و همکارانش درباره "ارزیابی توانمندیهای شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاهها" انجام شد، نشان داد که ۸۶/۵٪ از فارغ‌التحصیلان و ۹۷٪ از مسئولان آنها، این توانمندیها را مربوط به تحصیلات دانشگاهی این افراد دانسته‌اند. در این پژوهش بیان شده که تناسب بین رشد کمی و کیفی آموزشی و برنامه‌ریزی اقتصادی رعایت نگردیده است (میرکمالی، ۱۳۷۲).

"بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهها" که در سال ۱۳۷۷ توسط صالحی انجام شد، بیانگر آن است که ۸۴٪ افراد دارای تطابق رشته تحصیلی و شغل هستند. نوع استخدام افراد نیز مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که روش جمع‌آوری داده‌ها از طریق چاپ پرسشنامه در روزنامه بوده، ممکن است افراد پاسخ دهنده نمونه صحیحی از جامعه نباشند (صالحی، ۱۳۷۷).

محسنین در تحقیقی که با عنوان "مشکلات و تنگناهای اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی" انجام داد، به جنبه‌های مختلفی از موضوع پرداخته است؛ از جمله، وی میزان ارتباط شغلی با رشته تحصیلی را در مورد ۴۸٪ افراد زیاد و درباره ۱۹٪ آنان متوسط ذکر کرده است (محسنین، ۱۳۷۷). نتایج تحقیق دیگری در بخش کشاورزی (مصطفی کاظمی، ۱۳۷۵) بیانگر آن است که شغل ۴۷٪ افراد مورد مطالعه با رشته تحصیلی آنها مرتبط بوده است.

"بررسی وضعیت فارغ‌التحصیلان سالهای ۶۸ تا ۷۳ دانشکده بهداشت اصفهان" گویای آن است که اکثر نمونه‌ها خدمت سربازی و طرح نیروی انسانی را انجام داده‌ند و

جهت اشتغال به کار به سازمانها مراجعه کرده‌اند و حدود ۷/۶۲٪ آنان در زمان مطالعه شاغل بوده‌اند. همچنین، ۸۵٪ شاغلین در شغلی مرتبط با رشته تحصیلی خود اشتغال داشته‌اند (نصر اصفهانی، ۱۳۷۷).

فاضلی در تحقیق دیگری تحت عنوان "بررسی رابطه شغلی-تحصیلی دانش‌آموختگان رشته روانشناسی" بیان می‌کند که ۶۵٪ پاسخ‌دهندگان پس از اخذ مدارک کارشناسی به شغلی اشتغال پیدا کرده‌اند که ۵۱٪ آنان در ارگانهای دولتی مشغول می‌باشند. ۴۰٪ از شاغلین ارتباط شغلی-تحصیلی خود را زیاد و یا خیلی زیاد توصیف نموده‌اند. این رابطه برای حدود ۴۲٪ آنها متوسط بوده است (فاضلی، ۱۳۷۹).

ابراهیم کافوری در پژوهش "بررسی وضعیت فارغ‌التحصیلان رشته روانشناسی" اظهار می‌دارد که بیشتر افراد به مشاغل آموزشی روی آورده‌اند. البته کسانی که به آموزش کودکان استثنایی یا به معالجه بیماران روانی بپردازند کم بوده‌اند (ابراهیم کافوری، ۱۳۷۳).

دهنوی در "بررسی وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت دانشگاههای تهران"، نمونه مورد مطالعه را از شاغلین در مؤسسات تابع قانون استخدام کشوری انتخاب نموده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۶۰/۸٪ این افراد، میزان ارتباط شغل فعلی با رشته تحصیلی خود را در حد زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند. میزان ارتباط بین توانمندی اجرایی فارغ‌التحصیلان با تحصیلات دانشگاهی در ۵۶/۵٪ افراد، در زمینه انجام وظایف، در حد زیاد و خیلی زیاد، تعیین شده است (دهنوی، ۱۳۷۶).

باتوجه به اهداف، روشهای نمونه‌گیری و ابزارهای (سؤالات) متفاوت، جمع‌بندی کلیه این پژوهشها میسر نیست. اما آنچه مشهود است پدیدهٔ بیکاری تعدادی از فارغ‌التحصیلان و همچنین اشتغال در مشاغل غیرمرتبط برخی دیگر از فارغ‌التحصیلان با رشته‌های تحصیلی به چشم می‌خورد؛ اگرچه فراوانی آنها در مورد همهٔ رشته‌های تحصیلی یکسان نیست.

جامعه آماری و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش‌آموختگان رشته مدیریت صنعتی دانشگاههای

دولتی سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۹ می باشد. روش نمونه گیری، نسبی طبقه ای و به صورت تصادفی است. برای بیش از ۲۳٪ فارغ التحصیلان، طبق آخرین آدرس موجود در دانشگاهها، پرسشنامه ارسال گردید. تعدادی از آنها به دلایل مختلف مانند تغییر نشانی یا صحیح نبودن آن، به دست افراد مورد نظر نرسید. در نهایت ۱۴۴ پرسشنامه تکمیل شده بدون نقص مورد بررسی قرار گرفتند.

در تحقیق مورد اشاره، برای گردآوری اطلاعات از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه استفاده گردیده است. در این مقاله تحلیل تعدادی از سؤالات پرسشنامه، مورد نظر است. پرسشنامه شامل سؤالات متعددی است که برای سنجش پاسخهای اکثر سؤالات از طیف لیکرت استفاده شده است و پاسخ دهندگان امکان انتخاب یکی از گزینه های "اصلاً کم، متوسط، زیاد و کاملاً" را داشته اند. جهت تحلیل پاسخها و تنظیم جداول، در مورد هر سؤال و یا هر عامل، مجموع تعداد گزینه های "اصلاً کم" در یک دسته و "زیاد و کاملاً" نیز در دسته ای دیگر قرار گرفته است.

در جداول شماره ۴، ۶، ۸ و ۱۰، ستون دوم، نشان دهنده مجموع درصد پاسخهای "زیاد و کاملاً" به هر عامل است؛ ستون سوم رتبه بندی عوامل مندرج در جدول می باشد. در جداول ۵، ۷، ۹ و ۱۱، ستون دوم، نمایشگر تفاوت "مجموع گزینه های کاملاً و زیاد" با "مجموع گزینه های اصلاً و کم" در مورد هر عامل است. در جداول ۱۲، ۱۳ و ۱۴، "کم" در برگرنده پاسخهای "اصلاً و کم" و "زیاد" در برگرنده پاسخهای "کاملاً و زیاد" است. در بسیاری از سؤالات، نظر پاسخ دهندگان در مورد تأثیر عوامل مختلف بر اشتغال ایشان، خواسته شده است. مخاطب یکی از سؤالات کسانی بوده اند که رابطه شغلی-تحصیلی خویش را کم دانسته اند (نتایج آن در جداول شماره ۴ و ۵ نشان داده شده است)؛ و مخاطب سؤال دیگری، افرادی بوده اند که در مشاغل مرتبط با رشته مدیریت صنعتی، اشتغال دارند (نتایج آن در جداول ۶ و ۷ آورده شده است). سایر سؤالات را کلیه تکمیل کنندگان پرسشنامه، پاسخ داده اند.

یافته‌های پژوهش

پاسخ‌دهندگان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی می‌باشند که رشته مدیریت صنعتی در آنها دایر است. جدول ۱ نشان می‌دهد که ۲۱/۷٪ از پاسخ‌دهندگان از دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۳/۸٪ از دانشگاه شهید بهشتی، ۱۵/۴٪ از دانشگاه تهران، ۱۹/۶٪ از دانشگاه شیراز، ۱۰/۵٪ از دانشگاه اصفهان، ۹/۱٪ از دانشگاه یزد فارغ‌التحصیل شده‌اند.

جدول ۱- تعداد تکمیل‌کنندگان پرسشنامه، فارغ‌التحصیلان از دانشگاه‌های ایران

دانشگاه	علامه طباطبائی	شهید بهشتی	تهران	شیراز	اصفهان	یزد
فراوانی	۳۱	۳۴	۲۲	۲۸	۱۵	۱۳
درصد	۲۱/۷	۲۳/۸	۱۵/۴	۱۹/۶	۱۰/۵	۹/۱

۵۸/۶٪ از تکمیل‌کنندگان پرسشنامه دارای دیپلم علوم انسانی و اقتصاد، ۲۳/۶٪ آنان دارای دیپلم تجربی و ۱۳/۶٪ این افراد دارای دیپلم ریاضی می‌باشند. ۴/۳٪ افراد مقطع متوسطه را در هنرستان سپری کرده‌اند. جدول ۲ این وضعیت را نشان می‌دهد.

جدول ۲- توزیع پاسخ‌دهندگان برحسب نوع دیپلم آنها

نوع دیپلم	علوم انسانی	اقتصاد	تجربی	ریاضی	فنی
فراوانی	۳۲	۵۰	۳۳	۱۹	۶
درصد	۲۲/۹	۳۵/۷	۲۳/۶	۱۳/۶	۴/۳

وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان در جدول ۳ نشان می‌دهد که ۱۱ نفر این افراد یعنی ۷/۶٪ تکمیل‌کنندگان پرسشنامه بیکار می‌باشند.

جدول ۳- وضعیت اشتغال تکمیل‌کنندگان پرسشنامه

وضعیت اشتغال	تمام وقت	پاره وقت	در حال تحصیل	شاغل و در حال تحصیل	بیکار
فراوانی	۹۸	۱۰	۴	۲۱	۱۱
درصد	۶۸/۱	۶/۹	۲/۸	۱۴/۶	۷/۶

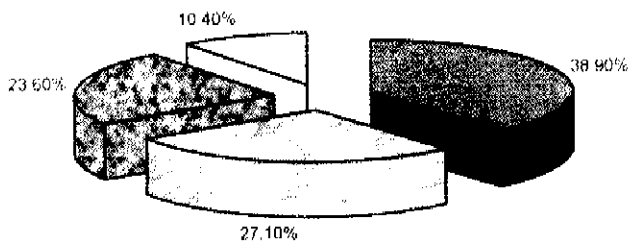
افراد پاسخ‌دهنده در مشاغل متنوعی از امور فرهنگی گرفته تا کارهای تولیدی و امور مالی مشغول به کار هستند. تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنان مدیر یک بخش از سازمان و یا کارخانه‌اند.

تکمیل‌کنندگان پرسشنامه خود میزان ارتباط شغل خویش و رشته مدیریت صنعتی را تعیین کرده‌اند. از آنجائیکه ۱۰/۴٪ این افراد بیکار بوده و یا در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد می‌باشند، به این سؤال نتوانسته‌اند پاسخ دهند. ۲۳/۶٪ افراد (۴/۲۶٪ پاسخ‌دهندگان شاغل)، ارتباطی بین شغل خویش و رشته مدیریت صنعتی قائل نشده و یا این ارتباط را کم دانسته‌اند. ۲۷/۱٪ افراد (۲/۳۰٪ شاغلان) این ارتباط را متوسط بیان کرده‌اند. ۳۸/۹٪ تکمیل‌کنندگان پرسشنامه (۴/۴۳٪ شاغلان) این ارتباط را زیاد و یا کاملاً زیاد ارزیابی نموده‌اند. (نمودار شماره ۱ و ۲)

کسانی که ارتباطی بین شغل خود با رشته مدیریت صنعتی ندیده و یا ارتباط کمی قائل شده‌اند، تأثیر عوامل مختلف بر اشتغال فعلی خویش را تعیین نموده‌اند. جدول شماره ۴ هر یک از عوامل و مجموع درصد پاسخهای زیاد و کاملاً را نشان می‌دهد و جدول شماره ۵، بیانگر تفاوت فراوانی‌های "کاملاً و زیاد" به عنوان "زیاد" با "اصلاً و کم" به عنوان "کم" می‌باشد.

هر دو جدول جهت رتبه‌بندی عوامل بکار گرفته شده‌اند و ترتیب یکسانی را نشان می‌دهند. در جدول ۵، عدد منفی در مقابل هر عامل، نشان دهنده میزان فزونی افرادی که تأثیر این عامل را کم دانسته‌اند، به کسانی است که تأثیر آن را زیاد بیان کرده‌اند.

نمودار ۱- ارتباط شغل فعلی با رشته تحصیلی (کلیه پاسخ‌دهندگان)



بی‌جواب □ کم ■ متوسط □ زیاد ■

نمودار ۲- ارتباط شغل فعلی با رشته تحصیلی (برای شاغلین)



کم □ متوسط ■ زیاد □

جدول ۴- عوامل تأثیرگذار بر اشتغال در مشاغل غیر مرتبط

رتبه	مجموع درصد زیاد و کاملاً	عامل
۱	۷۲/۷	عدم شناخت سازمانها از رشته مدیریت صنعتی
۴	۴۸/۲	نیاز به تجربه قبلی برای استخدام در مشاغل مرتبط
۵	۳۱/۳	نیاز به پایان خدمت برای استخدام در مشاغل مرتبط
۲	۶۲/۵	نداشتن معرف برای استخدام در مشاغل مرتبط
۶	۲۷/۳	نداشتن مهارتهای لازم برای انجام شغل مرتبط
۳	۵۳/۲	نامرتب بودن دروس یا نیاز بازار کار
۱۰	۰	احساس ناتوانی خویش برای انجام مشاغل مرتبط
۹	۳	درآمد ناکافی مشاغل مرتبط
۸	۶/۱	احساس عدم علاقه به مشاغل مرتبط
۷	۱۵/۱	نداشتن اطلاعات کافی راجع به مشاغل مرتبط

جدول ۵- عوامل تأثیرگذار بر اشتغال در مشاغل غیر مرتبط

رتبه	تفاوت فراوانی زیاد و کم	عامل
۱	۲۱	عدم شناخت سازمانها از رشته مدیریت صنعتی
۴	۶	نیاز به تجربه قبلی برای استخدام در مشاغل مرتبط
۵	-۶	نیاز به پایان خدمت برای استخدام در مشاغل مرتبط
۲	۱۲	نداشتن معرف برای استخدام در مشاغل مرتبط
۶	-۷	نداشتن مهارتهای لازم برای انجام شغل مرتبط
۳	۸	نامرتب بودن دروس یا نیاز بازار کار
۱۰	-۳۲	احساس ناتوانی خویش برای انجام مشاغل مرتبط
۹	-۲۸	درآمد ناکافی مشاغل مرتبط
۸	-۲۷	احساس عدم علاقه به مشاغل مرتبط
۷	-۱۵	نداشتن اطلاعات کافی راجع به مشاغل مرتبط

”عدم شناخت سازمانها از رشته مدیریت صنعتی“ و پس از آن ”نداشتن معرف“، مواردی هستند که از نظر این افراد بیشترین تأثیر را در اشتغال در مشاغل غیرمرتبط داشته‌اند. ”نامرتب بودن دروس با نیاز بازار کار“، دیگر عاملی است که از نظر ۲/۵۳٪ این افراد به میزان زیاد و یا کاملاً زیاد در این امر مؤثر بوده است. به عقیده هیچ یک از پاسخ‌دهندگان، عامل ”احساس ناتوانی برای انجام مشاغل مرتبط“ تأثیر زیادی نداشته و فقط یک نفر تأثیر آن را متوسط دانسته است و ۷/۶۶٪ افراد هیچ نقشی برای آن قائل نشده‌اند.

اشخاصی که ارتباط شغل خود و رشته مدیریت صنعتی را در حد متوسط و یا بیشتر می‌دانند، ”داشتن آشنا و معرف“ را در به دست آوردن شغل خود مؤثر ندانسته و آن عامل را در آخرین مرتبه خود قرار داده‌اند. ایشان ”تواناییهای کسب شده در دانشگاه“ را مؤثرترین عامل (با ۴/۵۸٪ پاسخ زیاد و یا کاملاً) دانسته‌اند. پس از این عامل، از ”تجربه کاری“ نام برده‌اند. عامل مؤثر بعدی از نظر این افراد، ”تواناییهای کسب شده در خارج از دانشگاه“ می‌باشد. اگرچه این عامل در مرتبه سوم است اما تعداد افرادی که تأثیر این عامل را کم و یا اصلاً دانسته‌اند، بیش از افرادی است که تأثیر آن را زیاد و کاملاً تعیین کرده‌اند (جدول ۶ و ۷).

جدول ۶- عوامل مؤثر بر اشتغال در مشاغل مرتبط

رتبه	تفاوت فراوانی زیاد و کم	عامل
۵	۲۳/۸	داشتن آشنا و معرف
۱	۵۸/۴	تواناییهای عملی کسب شده در دانشگاه
۳	۳۱/۸	تواناییهای کسب شده در خارج از دانشگاه
۲	۴۶/۵	تجربه کاری در این شغل
۴	۲۷/۳	تجربه کاری در مشاغل دیگر

جدول ۷- عوامل مؤثر بر اشتغال در مشاغل مرتبط

رتبه	تفاوت فراوانی زیاد و کم	عامل
۵	-۲۴	داشتن آشنا و معرف
۱	۴۱	تواناییهای عملی کسب شده در دانشگاه
۳	-۹	تواناییهای کسب شده در خارج از دانشگاه
۲	۱۱	تجربه کاری در این شغل
۴	-۱۵	تجربه کاری در مشاغل دیگر

کلیه تکمیل کنندگان پرسشنامه اعم از آنان که در مشاغل مرتبط به کار اشتغال دارند و یا آنان که در مشاغل غیر مرتبط به کار اشتغال دارند، عوامل مؤثر در انتخاب شغل فعلی خویش را تعیین کرده‌اند. "علاقه به این شغل"، "فرصت رشد و کسب مهارت در این شغل"، "وجود خلاقیت در این شغل"، "رضایت از موقعیت اجتماعی" به عنوان مؤثرترین عوامل بیان شده‌اند. مورد "رضایت از حقوق و مزایای این شغل" در مراتب پائین تر قرار گرفته است. (جداول ۸ و ۹)

جدول ۸- عوامل مؤثر در انتخاب شغل کنونی

رتبه	مجموع درصد زیاد و کاملاً	عامل
۶	۴۱/۴	نبودن فرصت شغلی دیگر
۱۰	۲۱/۵	حفظ سوابق استخدامی
۸	۲۶/۲	رضایت از حقوق و مزایای این شغل
۳	۴۶/۱	رضایت از موقعیت اجتماعی این شغل
۹	۲۴/۲	نزدیکی به محل کار
۱	۵۰/۸	علاقه به این شغل
۲	۴۸/۸	فرصت رشد و کسب مهارت در این شغل
۵	۴۲/۹	آینده شغلی خوب
۷	۳۶/۵	امنیت شغلی این کار
۴	۴۵/۲	وجود خلاقیت در این کار

جدول ۹- عوامل مؤثر بر انتخاب شغل کنونی

رتبه	تفاوت فراوانی زیاد و کم	عامل
۷	-۶	نبودن فرصت شغلی دیگر
۱۰	-۵۹	حفظ سوابق استخدامی
۸	-۱۵	رضایت از حقوق و مزایای این شغل
۴	۲۳	رضایت از موقعیت اجتماعی این شغل
۹	-۳۷	نزدیکی به محل کار
۱	۳۱	علاقه به این شغل
۲	۲۹	فرصت رشد و کسب مهارت در این شغل
۵	۱۷	آینده شغلی خوب
۶	۱۲	امنیت شغلی این کار
۳	۲۷	وجود خلاقیت در این کار

جدول ۱۰- موارد مؤثر در عدم اشتغال در شغل مرتبط

رتبه	مجموع درصد زیاد و کاملاً	عامل
۴	۵۷	آشنا نبودن با نرم افزارهای تخصصی کامپیوتر
۶	۵۰	نداشتن تسلط کافی به زبان انگلیسی
۲	۷۸/۴	نداشتن مهارت‌های کاربردی
۱	۸۱/۹	ترجیح دادن استخدام مهندسين صنايع
۵	۵۵/۶	نداشتن برخی دانش‌های ضروری برای اشتغال در صنایع
۳	۶۱/۸	نگذراندن دوره کارآموزی
۷	۴۰/۳	نداشتن مهارت‌های فردی

از دیدگاه پاسخ‌دهندگان برخی از مسائلی که در "عدم اشتغال در شغل مرتبط" تأثیر دارند، به ترتیب اهمیت عبارتند از: "ترجیح دادن استخدام مهندسين صنايع توسط

کارفرمایان"، "نداشتن مهارت‌های کاربردی"، "نگذراندن دوره کارآموزی". (جداول ۱۰ و ۱۱ و نمودار ۳). در کلیه مواردی که در این سؤال مطرح شده، تعداد پاسخهای زیاد و کاملاً بیش از پاسخهای کم و اصلاً می‌باشد، به همین دلیل تمامی تفاوت‌های محاسبه شده مثبت هستند (جدول ۱۱).

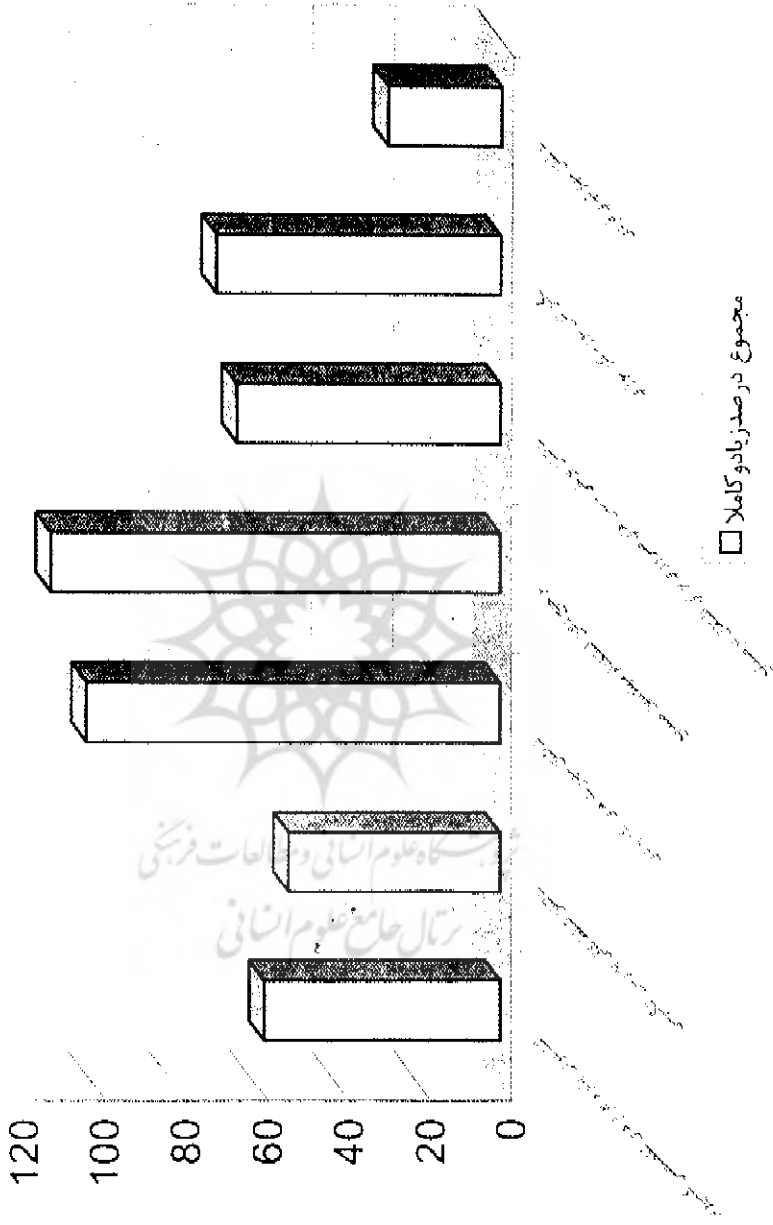
جدول ۱۱- موارد مؤثر در عدم اشتغال در شغل مرتبط

رتبه	مجموع درصد زیاد و کاملاً	عامل
۵	۵۸	آشنا نبودن با نرم افزارهای تخصصی کامپیوتر
۶	۵۲	نداشتن تسلط کافی به زبان انگلیسی
۲	۱۰۲	نداشتن مهارت‌های کاربردی
۱	۱۱۱	ترجیح دادن استخدام مهندسين صنايع
۴	۶۵	نداشتن برخی دانشهای ضروری برای اشتغال در صنايع
۳	۷۰	نگذراندن دوره کارآموزی
۷	۲۸	نداشتن مهارت‌های فردی

۷۹/۸٪ پاسخ دهندگان بیان کرده‌اند که هنگام فراغت از تحصیل به رشته مدیریت صنعتی کاملاً و یا به میزان زیاد علاقه‌مند بوده‌اند و تنها ۷٪ از آنها میزان علاقه خویش را کم و یا اصلاً دانسته‌اند.

۵۶/۳٪ تکمیل کنندگان پرسشنامه بیان کرده‌اند که اگر اکنون وارد دانشگاه می‌شدند کاملاً و یا در حد زیادی تمایل به انتخاب رشته مدیریت صنعتی داشتند. بین تمایل به انتخاب مجدد رشته مدیریت صنعتی و اشتغال در شغل مرتبط، رابطه‌ای با سطح معنی‌داری بیش از ۹۹٪ مشاهده می‌شود. "اصلاً و کم" در یک دسته و "زیاد و کاملاً" در یک دسته دیگر قرار گرفته‌اند. جدول ۱۳، ارتباط بین علاقه افراد به رشته و تمایل به انتخاب مجدد رشته را نشان می‌دهد.

نمودار ۳ - موارد موثر در عدم اشتغال در شغل مرتبط (نمایش جدول شماره ۱۱)



جدول ۱۲- میزان ارتباط شغل با رشته مدیریت صنعتی و تمایل به انتخاب مجدد این رشته

		تمایل به انتخاب رشته	
زیاد	متوسط	کم	میزان ارتباط شغل و رشته
۱۲	۶	۱۶	کم
۱۱	۸	۹	متوسط
۳۷	۱۳	۶	زیاد

جدول ۱۳- علاقه به رشته و تمایل به انتخاب مجدد رشته مدیریت صنعتی

		تمایل به انتخاب مجدد	
زیاد	متوسط	کم	علاقه به رشته
۱	۱	۸	کم
۴	۷	۸	متوسط
۷۶	۲۰	۱۸	زیاد

جدول زیر نشان دهنده رشته تحصیلی دبیرستانی پاسخ دهندگانی است که ارتباط شغل خود با رشته مدیریت صنعتی را کم، متوسط و یا زیاد تعیین نموده‌اند "اصلاً و کم" در یک گروه و "زیاد و کاملاً" در گروهی دیگر در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۱۴- میزان ارتباط شغل با رشته مدیریت صنعتی و رشته تحصیلی دبیرستان

		رشته تحصیلی دبیرستان		
هنرستان	ریاضی	تجربی	علوم انسانی و اقتصاد	میزان ارتباط بین شغل و رشته
۲	۰	۷	۲۴	کم
۱	۴	۱۱	۲۱	متوسط
۲	۱۱	۱۴	۲۷	زیاد

هیچ یک از کسانی که در رشته ریاضی تحصیل نموده‌اند در مشاغل غیرمرتبط مشاهده نشده‌اند. درصد کسانی که دیپلم تجربی داشته و در مشاغل غیرمرتبط به کار مشغولند، کمتر از کسانی است که دیپلم علوم انسانی و اقتصاد داشته‌اند.

تحلیل نتایج

اکثر پاسخ‌دهندگان در هنگام فراغت از تحصیل به رشته مدیریت صنعتی ابراز علاقه نموده‌اند. در عین حال تعدادی از افرادی که به میزان زیاد به این رشته علاقه دارند، تمایل متوسط و یا کمی را به انتخاب مجدد این رشته نشان می‌دهند. باتوجه به جدول ۱۲ می‌توان گفت که در شرایط کنونی تمایل به انتخاب رشته مدیریت صنعتی با متناسب بودن شغل فعلی افراد ارتباط دارد. اکثر کسانی که تمایل بالایی به انتخاب مجدد این رشته دارند کسانی هستند که در مشاغل مرتبط مشغول به کار هستند. از سوی دیگر، بیش از نیمی از افرادی که تمایل اندکی به انتخاب مجدد رشته مدیریت صنعتی دارند، در مشاغل غیرمرتبط اشتغال دارند. به عبارت دیگر، امکان اشتغال در شغل متناسب، در انتخاب این رشته کاملاً نقش داشته و علیرغم وجود علاقه به یک رشته، ممکن است یک عامل بازدارنده محسوب گردد.

مسلماً عوامل زیادی بر یافتن شغل متناسب مؤثر هستند که بخشی از آنها عوامل فردی و پیشینه افراد قبل از ورود به دانشگاه است؛ اما این موارد زیاد مورد توجه پاسخ‌دهندگان قرار نگرفته و بیشترین توجه آنان معطوف به مسائل دانشگاه و محیط کاری شده است. به عنوان نمونه جدول ۱۴ نشان می‌دهد که بسیاری از پاسخ‌دهندگان با دیپلم علوم انسانی و اقتصاد به مشاغل مرتبط و یا نیمه‌مرتبط اشتغال دارند؛ اما این نسبت در مقایسه با افراد دارای دیپلم ریاضی و یا تجربی کمتر است.

پاسخهای ارائه شده حاکی از آن است که از نظر پاسخ‌دهندگان مهمترین موانع برای اشتغال در مشاغل مرتبط "عدم شناخت سازمانها از رشته مدیریت صنعتی" و همچنین "ترجیح استخدام مهندسين صنايع توسط کارفرمایان" از یک سو و "نداشتن مهارت‌های

کاربردی" و "نامرتب بودن دروس با نیاز بازار کار" از سوی دیگر می‌باشند. "ترجیح استخدام مهندسين صنايع" خود می‌تواند ناشی از عدم شناخت سازمانها از توانایی‌های فارغ‌التحصیلان مدیریت صنعتی بوده و یا به علت کمبود مهارت‌های کاربردی لازم فارغ‌التحصیلان مدیریت صنعتی باشد.

"نداشتن معرف" اگرچه توسط کسانی که در مشاغل مرتبط نیستند به عنوان عاملی مؤثر نام برده شده، اما کسانی که در مشاغل مرتبط می‌باشند آن را در مرتبه آخر قرار داده‌اند. افرادی که در مشاغل مرتبط به کار اشتغال دارند "تواناییهای علمی کسب شده در دانشگاه" را مؤثرترین عامل در اشتغال خویش برشمرده‌اند. البته عوامل دیگر نیز می‌توانند دخالت داشته باشند یا به بیانی "داشتن معرف" نیز هنگامی مؤثر است که شخص دارای قابلیت‌های لازم باشد.

نکته دیگر آنکه به نظر ۳۱/۸٪ کسانی که در مشاغل مرتبط هستند "توانایی‌های کسب شده در خارج از دانشگاه" در اشتغال آنها زیاد مؤثر بوده است. اما به هر حال تأثیر آن از "توانایی‌های کسب شده در دانشگاه" کمتر است.

"تجربه کاری" نیز عاملی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. هم، گروهی که در مشاغل مرتبط کار می‌کنند و هم، کسانی که به مشاغلی غیرمرتبط می‌پردازند تأثیر این عامل را یادآور شده‌اند (بیش از ۴۶٪ زیاد و کاملاً مؤثر دانسته‌اند). در کنار این عامل، سؤاله انجام کارآموزی نیز مطرح است. ۶۱/۸٪ پاسخ‌دهندگان "نگذراندن دوره کارآموزی" را در عدم اشتغال به شغل مرتبط به میزان زیاد و یا کاملاً مؤثر ارزیابی کرده‌اند. با در نظر گرفتن این دو مورد، اهمیت ارتباط مناسب دانشگاه و صنعت مجدداً آشکار می‌شود. در صورتیکه فرصت تجربه اندوختی در سال‌های آخر تحصیلات دانشگاهی برای دانشجویان فراهم شود، امکان خوبی برای بردن افراد به توانایی‌های خود و همچنین اشتغال در مشاغل مرتبط فراهم می‌گردد.

عمده عواملی را که پاسخ‌دهندگان در انتخاب شغل کنونی خویش (اعم از مرتبط یا غیرمرتبط) مؤثر دانسته‌اند "علاقه به شغل" و "فرصت رشد و کسب مهارت در این

شغل" می‌باشد. توجه به جداول ۸ و ۹ بیانگر آن است که برای فارغ‌التحصیلان صرفاً یافتن شغل و یا کسب درآمد مطرح نیست؛ بلکه، علاقه، امکان رشد و خلاقیت در کار مهمترین عوامل محسوب می‌گردند. با در نظر گرفتن اینکه امکان پیشرفت افراد در زمینه‌ای که آموزش دیده‌اند، بیش از سایر زمینه‌ها می‌باشد لذا به نظر نمی‌رسد که اکثر افراد، اشتغال در مشاغل غیر مرتبط را حتی با درآمدی بیشتر به اشتغال در مشاغل مرتبط ترجیح دهند.

"موقعیت اجتماعی شغل" نیز فاکتوری مهم است که مورد توجه پاسخ‌دهندگان قرار گرفته است.

نرخ بیکاری در نمونه مورد مطالعه ۷/۶٪ بوده که پائین‌تر از نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان در کشور می‌باشد. با فرض امکان تعمیم آن به جامعه دانش‌آموختگان رشته مدیریت صنعتی و در نظر گرفتن آنکه ۸۴٪ افرادی که به تحصیل در کارشناسی ارشد اشتغال دارند شاغل نیز می‌باشند (که قاعدتاً فقط باید به تحصیل بپردازند) بیانگر آن است که می‌توان با شناخت بهتر نقاط ضعف و برنامه‌ریزی در جهت رفع آنها، از فرصتهای موجود در جامعه جهت اشتغال مناسبتر فارغ‌التحصیلان مدیریت صنعتی استفاده کرد.

۷۳/۶٪ پاسخ‌دهندگان شاغل شغل خود را مرتبط و یا نیمه مرتبط دانسته‌اند و با توجه به عنوان شغلی افراد، بیش از ۷۷٪ آنان دارای شغلی مرتبط و یا نیمه مرتبط می‌باشند.

پیشنهادها

با استناد به نتایج به دست آمده و برخی اظهار نظرهای پاسخ‌دهندگان، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- انجام پژوهشی در جهت مشخص ساختن نیازهای واقعی سازمانها و میزان شناخت آنها از رشته مدیریت صنعتی.

- انجام پژوهشی در ارتباط با شناسایی دلایل ترجیح مهندسان صنایع توسط کارفرمایان

- برای آنکه بتوان از نتایج آن در برنامه‌ریزی آموزشی استفاده کرد.
- معرفی رشته مدیریت صنعتی و تواناییهای فارغ‌التحصیلان آن به سازمانها.
- بازنگری در محتوای دروس در جهت کاربردی‌تر شدن آنها.
- بازنگری در شیوه تدریس و استفاده از امکانات جدید، که لازمه آن تأمین امکانات و محدود بودن تعداد دانشجویان در هر کلاس می‌باشد.
- توسعه لابراتوار زبان و سایت کامپیوتر و دادن فرصت به دانشجویان جهت توانمندسازی خود در این زمینه‌ها.
- ارائه دو دوره کارآموزی که یکی پس از گذراندن ۱۰۰ واحد بوده و دیگری پس از اتمام کلیه واحدهای درسی به صورت تمام‌وقت باشد. در ضمن امکان انجام پروژه به جای دوره دوم کارآموزی نیز در نظر گرفته شود.
- تقویت ارتباط دانشگاه‌های ارائه دهنده رشته مدیریت صنعتی با صنعت و انجام فعالیتهای پژوهشی مشترک بین دانشگاه و صنعت.
- ایجاد دفتر کارایی در دانشکده و ارتباط با فارغ‌التحصیلان شاغل برای معرفی فرصتهای شغلی.
- تلاش بیشتر دانشجویان و استفاده بهینه از فرصتها جهت توانمندسازی خود.
- ایجاد فرصتهای مناسب برای اساتید جهت به روز کردن و ارتقاء دانش خود.
- در نظر گرفتن چند درس برای آشنایی با صنایع مختلف؛ بطوریکه دانشجویان بتوانند به دلخواه خود با صنعت خاصی آشنا شوند و ضمن کسب شناخت اولیه، کارآموزی و پروژه‌های درسی کلاسهای مختلف خود را حتی المقدور در آن زمینه انجام دهند.

منابع و مأخذ

- ۱- ابراهیم کافوری، اکرم (۱۳۷۳)، بررسی وضعیت فارغ‌التحصیلان رشته روانشناسی، طرح پژوهشی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۲- الفت، لعیا (۱۳۸۱)، مطالعه برخی عوامل مؤثر بر نوع اشتغال دانش‌آموختگان رشته مدیریت صنعتی، طرح پژوهشی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۳- دهنوی، حسنعلی (۱۳۷۶)، بررسی وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۴- سند برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸)، امور بخشی، ص ۳۷۱.
- ۵- صالحی، محمدجواد (۱۳۷۷)، بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۶- فاضلی، عصمت (۱۳۷۹)، بررسی رابطه شغلی - تحصیلی دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در ایران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۷- کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۶)، افزایش فارغ‌التحصیلان، پیامدها و مخاطرات، روزنامه همشهری، شماره ۱۲۴۶، ۱۴ اردیبهشت.
- ۸- میرکمالی، سید محمد (۱۳۷۲)، ارزیابی توانمندیهای شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

- ۹- محسنین، محسن (۱۳۷۷)، مشکلات و تنگناهای اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۶، ش ۲۳.
- ۱۰- نصر اصفهانی، بهرام (۱۳۷۷)، بررسی وضعیت فارغ‌التحصیلان سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ دانشکده بهداشت اصفهان از نظر اشتغال به کار و ادامه تحصیل، مجله علوم پزشکی، سال ۳، ش ۱.

